نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
دوره هشتم، بهار ۱۴۰۳، شماره اول، صفحات ۳۶ تا ۳۹

دیدگاه

عدالت در تغذیه از دریچه تحلیل‌های سطح توسعه

مونا پورقادری[۱]، امیرحسین تکیان[۲*]

۱. دکترای تخصصی سیاست‌های غذا و تغذیه، مرکز تحقیقات عدالت در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران
۲. *نویسنده مسئول: استاد سیاست‌گذاری سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران، عضو وابسته فرهنگستان علوم پزشکی، تهران، ایران، takian@tums.ac.ir

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

مقدمه

عدالت در تغذیه یک جنبه حیاتی از سلامت عمومی و توسعه پایدار است که بر اطمینان از دسترسی برابر همه افراد، صرف‌نظر از موقعیت اجتماعی-اقتصادی یا موقعیت جغرافیایی، به مواد غذایی مغذی و فرصتی برای داشتن زندگی سالم تمرکز دارد (۱). عدالت در تغذیه ریشه در این ایده دارد که دسترسی به تغذیه کافی یک حق اساسی بشر است. این مفهوم فراتر از صرف داشتن غذای کافی برای خوردن است و کیفیت غذا، آموزش تغذیه، دسترسی به مراقبت‌های سلامت و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده سلامت را نیز در بر می‌گیرد که می‌تواند بر فرصت و توانایی فرد برای حفظ یک رژیم غذایی سالم تأثیر بگذارد (۲). دستیابی به عدالت در تغذیه مستلزم پرداختن به نابرابری‌های ناموجه بین گروه‌ها و مناطق جمعیتی با «به‌رسمیت شناختن تفاوت‌های میان آنها» است. با علم به اینکه تحلیل‌های سطح خرد و سطح کلان در اساس، مباحث خود را بر محور تشابه واحدهای مورد بررسی قرار داده‌اند؛ ضروری است این مفهوم از دریچه تحلیل‌های سطح توسعه به‌عنوان یک سطح تحلیلی مستقل با خاستگاه تاریخی، ابزارهای تحلیلی، دغدغه‌محوری و روش‌شناسی خاص خود که معطوف به مسئله پایداری است، مورد توجه قرار گیرد (۳).

تحلیل تغییرات اعتلا بخش با رویکرد بلندمدت

برخلاف عقلانیت و تحلیل‌های سطح خرد و سطح کلان که به‌ترتیب بر مسئله کم‌یابی (خواسته‌های بی‌شمار و منابع محدود) و مسئله ثبات یا مهار نوسانات متمرکز هستند؛ دغدغه‌محوری تحلیل‌های سطح توسعه، مسئله تغییرات اعتلا بخش با رویکرد بلندمدت است (۳ و ۴). زمانی‌که از پایدارسازی نظام حیات جمعی در تحلیل‌های سطح توسعه بحث می‌شود، ترتیبات و پیش‌نیازهایی مطرح می‌شود که تقلید کورکورانه از تجارب کشورهای صنعتی را بی‌توجه به عوامل بافتاری و عملکردی متفاوت، بی‌اعتبار می‌سازد (۵). در حقیقت، در غیاب مساعدسازی شرایط حداقلی از دیدگاه توسعه‌ای به معنای تغییرات اجتماعی فراگیر و اعتلابخش، رهنمودهای برخاسته از تحلیل‌های سطح خرد و کلان برای شرایط متفاوت به هیچ وجه نمی‌تواند کارایی لازم را داشته باشد. مگر اینکه طی فرآیندی تاریخی و بر اساس درکی عالمانه مبتنی بر یک چارچوب نظری قابل دفاع و تجارب علمی در کشورهای غیر صنعتی، بستری فراهم شود که در اثر تشابه شرایط، رهنمودهای واحد به نتایج معین و یکسانی منجر شود (۴ و ۵). یکی از اقتصاددانان ایرانی معتقد است یکی از دلالت‌های کلیدی جهان‌شمول دانستن گزاره‌های اقتصاد کلاسیک از جنبه معرفتی، ایجاد احساس بی‌نیازی از مشاهده واقعیت‌ها در جوامع معین و در مقاطع تاریخی معین است و آثار این مسئله به‌واسطه استمرار این سازه ذهنی نادرست به شکل وسیعی در کشورهای با درآمد پایین و متوسط قابل مشاهده است (۳). Friedrich List نیز پدیدار شدن دوگانگی در میان حوزه‌های اجرایی و دانشگاهی در این کشورها را یکی از پیامدهای جهان‌شمول‌پنداری گزاره‌های علم اقتصاد مطرح می‌کند که پیامدهای زیان بار گسترده‌ای در محدود کردن تعامل مؤثر بین حوزه اجرا و دانشگاه دارد؛ به‌نحوی که حوزه اجرا، بحث‌های دانشگاهی را موهوم و نامرتبط با واقعیت می‌داند و دانشگاهیان نیز مجریان امر را فاقد قدرت تبیین، پیش‌بینی و تجویزهای راه گشا به حساب می‌آوردند (۶).

با توجه به موارد ذکر شده به‌نظر می‌رسد تکیه بر ابزارهای سطح خرد و سطح کلان تا زمانی‌که بسترهای حداقلی خروج از دورهای باطل بازتولیدکننده بی‌عدالتی فراهم نشده باشد؛ جز اتلاف زمان و منابع مادی و انسانی نتیجه دیگری نخواهد داشت؛ لذا حیاتی‌ترین مسئله معرفتی برای تغییر اعتلا بخش از دیدگاه توسعه‌ای در حوزه امنیت غذایی، به‌عنوان نیروی محرکه توسعه کشور، شناسایی دورهای باطل بازتولیدکننده و استمرار بخش بی‌عدالتی در تغذیه است. از طرفی، با توجه به اینکه شیوه مناسب برنامه‌ریزی، تابع درک ما از مسئله و دورهای باطل بازتولیدکننده آن است؛ لازم است فهم مشترکی از مفاهیم کلیدی همچون نابرابری (inequality) و بی‌عدالتی (inequity) در زمینه امنیت غذایی و تغذیه و پایه نظری آن به دست آید و در ادامه، مسئله مهم انتخاب شاخص‌های درست مطرح شود که امکان سنجش کیفیت فرآیند تصمیم‌گیری و تخصیص منابع برحسب آن معیارها را فراهم می‌کند.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/8.1.2]

رویکرد تحلیلی سطح توسعه در نظام‌های غذایی

نابرابری‌ها در نظام‌های غذایی به‌عنوان تفاوت‌های مشاهده شده میان افراد و گروه‌ها (در صورت تفکیک موقعیت اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی) در پیامدهای مربوط به امنیت غذایی و تغذیه یا عوامل مرتبط با نظام‌های غذایی مانند: دسترسی به منابع تولید غذا تعریف می‌شود (۱). درحالی‌که، بی‌عدالتی‌ها زیربنای نابرابری‌ها هستند و به‌عنوان دلایل قابل‌اجتناب برای توزیع نابرابر و اینکه چرا وضعیت نامطلوب به‌طور نظام‌مند براساس عدم‌تقارن در موقعیت اجتماعی، تبعیض و قدرت افزایش می‌یابد، در نظر گرفته می‌شوند (۷). بی‌عدالتی در نظام‌های غذایی، نابرابری در امنیت غذایی و تغذیه را در پی خواهد داشت. از آن جا که بی‌عدالتی‌ها در این حوزه، تهدیدکننده هرگونه پیشرفت به سمت تحقق امنیت غذایی و تغذیه شمرده می‌شوند، پرداختن به آنها ضرورتی بنیادین است.

از دریچه تحلیل‌های سطح توسعه، تغییر اعتلابخش و پایدار، مستلزم درک و پرداختن به محرک‌های سیستمی و علل ریشه‌ای بی‌عدالتی در بافتار است. درک بی‌عدالتی و نابرابری مستلزم این شناخت است که چه افرادی، چگونه و چرا از فرصت‌های غذایی و تغذیه‌ای مطلوب کنار زده شده‌اند (۸). برای رسیدن به این درک، توجه به اینکه چگونه بی‌عدالتی در تغذیه بین‌بخشی (اثرات متقابل انواع بی‌عدالتی‌ها)، بین‌نسلی (قابلیت انتقال در طول زمان) و بین‌سرزمینی (نقش تعیین‌کننده مکان و جغرافیا) است، حیاتی محسوب می‌شود (۹-۱۴). در پرداختن به این مسئله، اقدامات باید از طریق فرآیندهای شناسایی (اذعان به ویژگی‌ها و تاریخچه بی‌عدالتی در هر بافتار)، نمایندگی (اطمینان از عاملیت گروه‌های به حاشیه رانده شده در انتخاب اقدامات برای رسیدگی به بی‌عدالتی) و توزیع مجدد (اطمینان از تخصیص عادلانه فرصت‌ها و منابع و عدم تحمیل هزینه‌ها بر دوش کسانی که قدرت سیاسی کمتری دارند) هدایت شوند و طراحی آنها با توجه به اصول حقوق بشر در سطح جهانی و نیز منطبق بر اصول و فرهنگ اسلامی و مبتنی بر طیف وسیعی از دانش و شواهد موجود در چارچوب‌بندی مسئله باشد (۱، ۲ و ۱۵، ۱۶).

مطابق با روش‌شناسی توسعه برای خروج از دورهای باطل تولید و بازتولیدکننده بی‌عدالتی در تغذیه، به پشتوانه صورت‌بندی نظری نیاز داریم. در این صورت، می‌توان راهکارهایی برای برون رفت از دورهای باطل ارائه کرد که عیار اعتبار ادعاهای طرح شده خواهند بود. در ادامه، مطابق با مدل نظری Nisbett و همکاران، به‌عنوان یکی از ارزشمندترین تلاش‌های صورت گرفته اخیر برای وضوح وجه نظری مسئله و مفهوم‌سازی اقدامات عملی و سیاسی در حوزه عدالت در تغذیه پیش می‌رویم. بر اساس این مدل، بافتار اجتماعی-سیاسی و قشربندی اجتماعی به‌عنوان تعیین‌کننده‌های ساختاری عدالت در تغذیه، در تعامل با دور باطل بی‌عدالتی - متشکل از فرایندهای ناعادلانه (توزیع نابرابر منابع و فرصت‌ها)؛ طرد شدگی از نمایندگی، مشارکت و پاسخگویی؛ اجحاف (تبعیض و سلب مالکیت‌های روزانه، مادام‌العمر و بین‌نسلی)، تعیین‌کننده‌های میانی عدالت در تغذیه را شکل می‌دهند (۱). وجه تمایز این مدل با بیشتر چارچوب‌های اقتصاد سیاسی در حوزه سلامت و تغذیه که بافتار سیاسی-اجتماعی را به تعیین‌کننده‌های میانی مرتبط می‌کنند، تأکید ویژه آن بر دور باطلی است که نشان می‌دهد؛ چرا گروه‌های خاصی به‌طور ناعادلانه از سطوح ساختاری تا میانی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. این دور باطل که ساختارهای مسلط را در تعیین توزیع اجتماعی سوءتغذیه تداوم می‌بخشد، با بافتار سیاسی-اجتماعی تغذیه می‌شود و به نوبه خود هم قشربندی اجتماعی و هم روشی که قشرهای مختلف تعیین‌کننده‌های ساختاری را در سطح میانی تجربه می‌کنند، هدایت می‌کند.

در یک جامعه عادلانه، موقعیت‌ها و هویت‌های اجتماعی متفاوت بر سرمایه و ظرفیت انسانی تأثیرگذار نیست. از طرفی، همه مردم می‌توانند بر توسعه هنجارها و نهادها تأثیر بگذارند که توزیع منابع و فرصت‌های اجتماعی مانند دسترسی به آموزش یا مالکیت زمین را هدایت می‌کند (۱۷، ۱۸). بی‌عدالتی اجتماعی، بی‌عدالتی توزیعی و طرد اجتماعی و سیاسی در دور باطل ذکر شده به شدت در هم تنیده‌اند و عدم توفیق اجتماعی و سیاستی در به رسمیت شناختن این اشکال متعدد از تبعیض، راهی است که در آن نابرابری‌ها تداوم می‌یابند (۱۹). موقعیت اجتماعی حاصل از برهم کنش اشکال مختلف تبعیض به منبعی از تکرار بی‌عدالتی توزیعی در طول زندگی و در سراسر نسل‌ها - نه فقط در ثروت و سایر منابع؛ بلکه هزینه‌های اجتماعی برای آموزش، بهداشت، غذا و چتر حفاظت اجتماعی یا سایر فرصت‌هایی که شرایط زندگی روزمره مانند کار مناسب، درآمد و دسترسی به عدالت را ساختار می‌دهند، تبدیل می‌شود (۱). عدالت انتقالی، مانند حمایت‌های غذایی، می‌تواند اثرات فوری چنین بی‌عدالتی‌ها را به‌طور موقت کاهش دهد؛ اما سبب می‌شود بی‌عدالتی‌های معاصر و تاریخی، به‌عنوان مثال ناشی از استعمار، از دید سیاسی پنهان بماند (۲۰). مثال‌های متعددی در ادبیات توضیح می‌دهند که چرا چنین فرآیندهای ناعادلانه، طردشدگی و اجحاف در تولید و بازتولید بی‌عدالتی در تغذیه مهم هستند. بدون دسترسی عادلانه و فراگیر به آموزش و حمایت اجتماعی، گروه‌های خاصی از کمک گرفتن از خدمات موجود (غذا، مراقبت، سلامت) دلسرد می‌شوند، یا اینکه این خدمات در محل‌هایی که گروه‌های خاصی در آن زندگی می‌کنند به آسانی در دسترس نیست. از سویی دیگر، توجه به بُعد زمانی و مکانی دور باطل بی‌عدالتی‌ها بسیار حائز اهمیت است که نه تنها در طول عمر؛ بلکه در طول نسل‌ها ایجاد می‌شوند و به گروه‌های مختلف سرزمینی و اجتماعی می‌پیوندند و به‌طور عینی در وضعیت تغذیه‌ای و سلامتی‌شان تجسم می‌یابند. از آنجا که عوامل تعیین-کننده در طول دوره توسعه انسانی، مراحل مختلف نظام‌های غذایی و گذار تغذیه‌ای دستخوش تغییر می‌شوند؛ آگاهی به پویایی تظاهر آنها در کشورها و مناطق اکولوژیکی مختلف مهم است. به‌عنوان مثال، گذار

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/8.1.2]

اجتماعی در چاقی در مراحل اولیه توسعه اقتصادی کشور به‌طور عمده بر گروه‌های جمعیتی شهری پردرآمد تأثیر می‌گذارد، قبل از اینکه در مراحل بعدی گروه‌های کم درآمد را مبتلا سازد (۱۶).

از سویی دیگر، عوامل شکل دهنده به نظام‌ها و محیط‌های غذایی در سطوح محلی، سرزمینی (مانند قلمرو سنتی یک گروه بومی)، منطقه‌ای و ملی را نمی‌توان جدا از فرآیندهای جهانی دید. نظام غذایی جهانی در واقع یکی از نظام هایی است که از سطح جهانی تا سطوح ملی و حتی خانوار را همراه با در هم‌تنیدگی‌های قوی چند سطحی در بر می‌گیرد (۲۱). نه تنها دولت‌های ملی می‌توانند از طیف وسیعی از فرآیندهای سیاسی بین‌المللی مانند تجارت، ایمنی غذایی و معاهدات آب و هوا یا حقوق بشری بهره ببرند؛ بلکه ذی‌نقشان بخش خصوصی، جامعه مدنی، دانشگاهیان و سایر انواع سازمان‌های بین‌المللی نیز در مقیاس‌های پرشمار فعالیت می‌کنند. این فرآیندها و شبکه‌ها ممکن است منجر به تکرار بی‌عدالتی در طول زمان و مکان (نظیر تداوم تاراج منابع به‌واسطه رژیم‌های استعماری تا روابط ژئوپلیتیک امروزی) یا مقاومت در برابر چنین بی‌عدالتی‌هایی شوند (اتحادیه‌های فراملی).

دعوت به اقدام

با الهام از توصیه‌های سازمان جهانی سلامت در مورد اقدامات در حوزه عوامل اجتماعی تعیین‌کننده سلامت (۷) و تصدیق این واقعیت که مهمترین و حیاتی‌ترین کارکرد کوشش‌های علمی، فراهم کردن یا برقرار کردن تفاهم و وفاق اجتماعی در مورد مسائل حیاتی است، در این زمینه می‌توان ذی‌نقشان حوزه تغذیه را به تصدیق نقش بی‌عدالتی در شکل‌گیری سوءتغذیه، ارزیابی دقیق علل ساختاری آن در بافتار فعلی و پرداختن به عدالت در تغذیه در این سطوح ساختاری در پژوهش و اقدام دعوت نمود. در اذعان به بی‌عدالتی و نابرابری لازم است فرآیندهای تاریخی و ایدئولوژیک نظیر استعمار، نژادپرستی، مردسالاری و نئولیبرالیسم که به‌طور مستقیم نظام‌های سلامت، غذا و تغذیه و تجارب زیسته افراد درون آنها را شکل می‌دهند؛ در نظر گرفته شوند (۲۲). در پژوهش و اقدام در سطح ملی و بین‌المللی باید تلاش‌ها در جهت بررسی و گزارش منظم و جامع مسیرهایی باشد که از طریق آنها بی‌عدالتی در فرآیندهای ذکر شده، پیامدهای تغذیه‌ای را شکل می‌دهند. در سطوح جهانی و ملی، داده‌های پیامد تغذیه‌ای به روشی که قادر به توصیف بی‌عدالتی باشد، محدود است و شکاف‌های اطلاعاتی زیادی وجود دارد که لازم است با تفکیک همزمان داده‌های پیامدی بر اساس ابعاد مختلف، از جمله درآمد، جنسیت، سن، نژاد، قومیت، وضعیت مهاجرت، ناتوانی، موقعیت جغرافیایی و سایر ویژگی‌های مرتبط با بافتارهای ملی پر شود. به‌طور مثال، می‌توان داده‌های گردآوری شده در پیمایش‌های شاخص‌های سلامت و جمعیت کشور را با در نظر گرفتن ابعاد فوق، از حیث قابلیت مقایسه داده‌های تفکیک شده ارتقاء بخشید. ذکر این نکته لازم است که تمام عوامل مرتبط با عدالت در پیمایش‌های با مقیاس بزرگ قابل بررسی نیستند؛ لذا در ارزیابی صحیح عدالت در یک بافتارخاص به طیفی از شواهد متناسب با هدف نیاز داریم. بررسی تعیین‌کننده‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و تجاری سوءتغذیه با تمرکز بر روش‌های درک ساختار و فرآیند، نه فقط معیارهای پیامدی تفکیک‌شده بر اساس ویژگی‌های جمعیتی و اجتماعی، گامی مهم در این مسیر محسوب می‌شود (۱، ۲). نمونه‌هایی از چنین رویکردی شامل مطالعات کیفی برای درک علل ریشه‌ای از دیدگاه کسانی است که آسیب‌های اجتماعی را تجربه کرده‌اند. این امر برای برجسته کردن نیازهای کسانی که تحت تأثیر سوءتغذیه در تمام اشکال آن قرار می‌گیرند و همچنین کسانی که نقش کلیدی در تأمین غذا، سلامت و مراقبت دارند، مهم است. همچنین، طیف وسیعی از مطالعات از قوم‌نگاری تجارب زیسته از بی‌عدالتی در تغذیه، مطالعات فرآیند سیاست‌گذاری در مورد بی‌عدالتی در ساختارها و خدمات تا ارزیابی‌های اقتصادی پیامدهای تغذیه‌ای، فرصت‌های زندگی و دسترسی به خدمات ارائه شده توسط اقشار آسیب‌پذیر را در بر می‌گیرد.

در نهایت به نظر می‌رسد در مرحله ژرف‌کاوی مفهومی از عدالت در تغذیه، نظیر سایر مفاهیم کلیدی و سرنوشت‌ساز در امر توسعه، طرح پیشنهادی می‌تواند به‌عنوان ساختاری برای شروع گفتمان‌سازی، راهنمایی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها و نیز ترویج اقدام اخلاقی در این حوزه تلقی شود. اهمیت این مسئله از این جهت است که هر درکی از هر مفهوم سرنوشت‌ساز که در یک جامعه معین، در یک دوره زمانی خاص، هویت جمعی پیدا کرده باشد؛ می تواند سقف عینیت‌بخشی به آن مفهوم را در آن جامعه مشخص کند؛ لذا هرچه قدر بتوان درک عمیق‌تر و جامع‌تری از این‌گونه مفاهیم را هویت جمعی بخشید، چشم‌اندازهای امیدوارکننده‌تری برای عینیت‌بخشی با کیفیت‌تر برای این مفاهیم فراهم خواهد شد.

منابع

1. Nisbett N, Harris J, Backholer K, Baker P, Jernigan VB, Friel S. Holding no-one back: the nutrition equity framework in theory and practice. Global food security 2022; 32: 100605.
2. HLPE. Reducing inequalities for food security and nutrition. 2023. Rome, CFS HLPE-FSN.
3. Momeni F. The frontiers of development knowledge: governance, growth, and development. Tehran: Nahadgra; 2021.
4. Momeni F. Social justice, freedom and development. Tehran: Naghsh-va- Negar; 2020.
5. Momeni F. The political economy of development in Iran. Tehran: Naghsh-va- Negar; 2017.
6. List F. National System of Political Economy-Volume 2: The Theory. Cosimo, Inc; 2006.
7. Commission on Social Determinants of Health. Closing the gap in a

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/8.1.2]

generation: health equity through action on the social determinants of health: final report of the commission on social determinants of health. World Health Organization; 2008.
8. Fraser N. Scales of justice: Reimagining political space in a globalizing world. Columbia University Press; 2009.
9. Harris J, Nisbett N. The basic determinants of malnutrition: resources, structures, ideas, and power. International Journal of Health Policy and Management 2021; 10(Special Issue on Political Economy of Food Systems): 817-27.
10. Botreau H, Cohen MJ. Gender inequality and food insecurity: A dozen years after the food price crisis, rural women still bear the brunt of poverty and hunger. In Advances in food security and sustainability 2020; 5: 53-117.
11. Akter S. Gender inequality and food insecurity in the Asian food system during the COVID-19 pandemic. Asian Development Outlook; 2021.
12. Perez-Escamilla R, Bermudez O, Buccini GS, Kumanyika S, Lutter CK, Monsivais P, Victora C. Nutrition disparities and the global burden of malnutrition. BMJ 2018; 361: k2252.
13. Salm L, Nisbett N, Cramer L, Gillespie S, Thornton P. How climate change interacts with inequity to affect nutrition. Wiley Interdisciplinary Reviews: Climate Change 2021; 12(2): e696.
14. Kuper H, Nyapera V, Evans J, Munyendo D, Zuurmond M, Frison S, Mwenda V, Otieno D, Kisia J. Malnutrition and childhood disability in Turkana, Kenya: Results from a case-control study. PloS one 2015; 10(12): e0144926.
15. Kabeer N. Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment. Development and change 1999; 30(3): 435-64.
16. Khandoozi E, Mostafavi Sani A, Sarabadani H. An indicator for equity. 1st edition. Tehran: Imam Sadegh University; 2020.
17. Baker P, Machado P, Santos T, Sievert K, Backholer K, Hadjikakou M, Russell C, Huse O, Bell C, Scrinis G, Worsley A. Ultra- processed foods and the nutrition transition: Global, regional and national trends, food systems transformations and political economy drivers. Obesity Reviews 2020; 21(12): e13126.
18. Milsom P, Smith R, Baker P, Walls H. Corporate power and the international trade regime preventing progressive policy action on non-communicable diseases: a realist review. Health policy and planning 2021; 36(4): 493-508.
19. Nichols C. Nutrition sensitive agriculture: An equity-based analysis from India. World Development 2020; 133: 105004.
20. Richardson ET. Epidemic illusions: on the coloniality of global public health. MIT Press; 2020.
21. Hospes O, Brons A. Food system governance: A systematic literature review. Food systems governance 2016: 13-42.
22. Büyüm AM, Kenney C, Koris A, Mkumba L, Raveendran Y. Decolonising global health: if not now, when? BMJ global health 2020; 5(8): e003394.

Opinion

Nutrition Equity Through the Lens of Development- Level Analysis

Mona Pourghaderi[1], Amirhossein Takian[2*]

1. PhD in Food and Nutrition Policy, Health Equity Research Center (HERC), Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2. ∗**Corresponding Author:** Professor, School of Public Health, Chief of Research, Health Equity Research Center (HERC), Tehran University of Medical Sciences; Associate Member, National Academy of Medical Sciences, Tehran, Iran, takian@tums.ac.ir

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-11-01]

[DOI: 10.22034/8.1.2]